

ربیعی نوشته گسترش کرونا بر اثر عزاداری‌های بدون اصول بهداشتی، تلخی نقدهای مجامع جهانی بهداشت و بدخواهان دین و تشیع را بر آنها خواهد افزود.

در یادداشت سخنگوی دولت ایران آمد؛



«علی ربیعی»، سخنگوی دولت ایران در یادداشتی با عنوان «کرونا از نمای نزدیک» نوشته است:

من از هفته پیش برای درمان بیماری کرونا بستری شده‌ام. اگرچه خیلی مراقب بودم اما ماهیت کارم و ارتباطات اجتماعی گسترده و حضور در مکان‌های مختلف مرتبط با آسیب‌های اجتماعی سبب شد این روزها درگیر بیماری کرونا باشم. من حالا خیلی بهتر می‌فهمم که چرا باید هر انسانی به شکل حداکثری مراقب باشد تا به این بیماری دچار نشود. هر بیمار کرونایی بار زیادی بر دوش کادر درمان و نظام سلامت تحمیل می‌کند. من از روزی که به این بیماری مبتلا شده‌ام یکی از دغدغه‌هایم امکان سرایت این بیماری به دیگری است و هر بار کادرهای درمان را بالای سرم می‌بینم، این نگرانی، دغدغه و ایثارگری ایشان مرا شرمنده می‌سازد. بهترین کار این است که با مراقبت از خود اجازه ندهیم تعداد بیماران افزایش یابد و کادرهای درمان را زمین گیر کند. تعارض‌های دوگانه جان و نان را بیشتر از گذشته احساس می‌کنم. جان شیرین خوش است و هیچ‌کس اعم از سیاستگذار و تصمیم‌گیر، گروه‌های فشار و رفتارهای فردی آحاد جامعه حق ندارند جان مردم را به خطر اندازند اما کیست که نداند بیکاری و فقر و پیامدهای اجتماعی و سیاسی ناشی از تهدید نان نیز می‌تواند به تهدید جان تبدیل شود.

به گزارش اسپادانا خبر، ربیعی نوشته است:

فکر می‌کنم داشتن نظام اقتصادی ضعیف و ناتوان از حمایت اجتماعی مؤثر از اقشار آسیب‌پذیر اقتصادی که تأثیر تحریم‌های اقتصادی آن را مضاعف و فشار زیادی به آن وارد کرده است، حالا روی تلخ خودش را بیشتر به ما نشان می‌دهد. اگر اقتصاد بدون تحریم و تاب‌آورتری داشتیم حالا دغدغه نان کمتر بود و بیشتر می‌شد بین دغدغه نان و جان به نفع جان توازن قوی‌تری ایجاد کرد. این روزها از روی تخت بیمارستان بیشتر به این می‌اندیشم که نظام مطالعاتی و دانش کرونشناسی هنوز وارد عرصه روانشناسی فردی، روانشناسی اجتماعی کوتاه‌مدت و درازمدت نشده است و اتفاقاً من غفلت از این پدیده را برای جامعه و سیاستگذاران بسیار جدی و خطرناک می‌بینم.

احساس می‌کنم علوم انسانی و اجتماعی ما عرصه بدیعی برای مطالعه پیش‌رو دارد و باید تجربه تنهایی، ترس، انزوا و طردشدگی را به عنوان آثار کووید-۱۹ بیش از گذشته بررسی کند. ما به‌واقع نیازمند آن هستیم که از دست رفتن شادی‌های جمعی، عدم امکان حضور در تجمعات و تخلیه‌های هیجانی یا پرخاش عاطفی ناشی از حضور در ورزشگاه‌ها، مناسک و شعائر مذهبی، جشن‌ها و عروسی‌ها، حتی به سوگ نشستن‌های جمعی در کنار اجتناب‌های اجباری برای در کنار خانواده بودن و جمع شدن‌های خانوادگی، محافل دوستانه در ترکیب اثر فردی و اجتماعی را با دقت بررسی کنیم.

فقدان این حضورهای اجتماعی آدمیان سبب می‌شود آدم‌ها درون‌ریزتر و پرخاشگر و دچار نوعی حرمان شوند که در نهایت به تعرض اجتماعی کشانده خواهد شد. اگر بیماری برای زمانی دراز - بیش از یک سال - طول بکشد، آثار روانی‌ای را که اکنون کم و بیش تجربه می‌کنیم با گستردگی بسیار زیاد در جامعه مشاهده خواهیم کرد و فضای روانی مردم ایران بسیار

ناراضی‌کننده‌تر از گذشته خواهد شد.

امروز در بیمارستانی که بستری هستم گفت‌وگویی با پرستاران و پزشکان داشتم. غالب پرستاران و پزشکان و کارگران بیمارستانی تجربه ابتلاء به کرونا را داشته‌اند. با ترس به سرکار می‌آیند و بعضاً از روی ناچاری، با نوعی دوری‌گزینی از اقوام و خانواده روبه‌رو هستند.

این روزها به رغم خوشرویی و فداکاری، در درون احساس خوبی از محیط کار ندارند. من با چند نفر از آنها هم‌صحبت شده و حس می‌کنم در صورت تداوم و گسترش بیماری، شکنندگی در کارشان کاملاً بدیهی است.

نگرانی‌هایی از کار، معیشت و زندگی در پس چهره‌ها وجود دارد که با مصاحبه نیمه‌عمیق، به خوبی متوجه آن می‌شوم. ناتوانی بودجه‌ای دولت در صورت گسترش بیماری باعث خواهد شد هزینه از جیب بیماران افزایش یابد. در آزمایشگاه بیمارستان یا فیش‌های آزمایشگاهی چند نفر که مانند من در صف نوبت بودند مواجه شدم. رقم بالایی هزینه چند آزمایش بود که سهم کمی از بیمه داشتند. کارگری غیررسمی که هیچ دفترچه بیمه‌ای هم نداشت در کنارم شکواییه می‌کرد. بیماری می‌گفت برای انجام یک تست PCR کرونا در آزمایشگاه خصوصی، باید بیش از ششصد هزار تومان هزینه پرداخت کند. از یک سو نگرانی مردم به رغم توصیه‌های وزارت بهداشت که بعضاً آن را لازم نمی‌دانند، باعث مراجعه زیاد مردم به آزمایشگاه‌های خصوصی برای انجام تست شده است.

بنابراین وصف در صورت ادامه این روند و عدم مراعات، ناچار تعطیلی‌های تحمیلی دوباره خواهند آمد و از سویی کادر سلامت از کارگر نظافتچی تا پرستار و پزشک و متخصص شکننده‌تر شده و با گسترش هزینه‌های درمان، مردم عاصی‌تر می‌شوند؛ این‌ها را به آثار روحی - روانی ناشی از کرونا اضافه کنید.

هیچ زمانی به اندازه امروز - حتی در سال‌های جنگ - نظام بهداشت و درمان و تأمین مالی این نظام در آزمونی تا این اندازه سخت قرار نگرفته بود. من عمیقاً احساس می‌کنم که نظام سلامت به تنهایی قادر به کشیدن باری نیست که بر دوش آن نهاده می‌شود. ما به بسیج عمومی همه نیروهای اثرگذار بر جامعه برای مطالبه سیاست‌گذاری درست در عرصه کرونا، حمایت از کادرهای درمان و مطالعه بین‌رشته‌ای مقوله سلامت در مقابل کرونا - فراتر از صرفاً پرداختن علم پزشکی به کرونا - نیازمندیم. کرونا فرصتی برای بازنگری دقیق در نظام سلامت (نه فقط نظام درمان) است. هیچ‌گاه مشارکت عمومی در نظام سلامت از همه ابعاد، به این میزان اهمیت نیافته است.

این نقطه از تاریخ نظام سلامت ما شاهد ضرورت یافتن اعتماد کردن مردم به گفته‌های متخصصان نظام سلامت و مشارکت ایشان در پیشگیری است و حتی ممکن است نیاز به مشارکت در تأمین هزینه‌های نظام سلامت نیز باشد. امیدوارم مشارکت همگانی سبب شود بیماری کرونا نرخی نزولی پیدا کند.

امروز، چندین اطلاعیه از سوی مداحان مجلس یا هیأت‌داران و سخنرانان دیدم. متأسفانه روندی را مشاهده می‌کنم که گویی اصرار و فشار برای انجام این شعائر در حال تبدیل شدن به یک موضع انقلابی و مذهبی و دینی است. ما ایرانیان سال‌ها برای سیدالشهدا عزاداری کرده‌ایم. عزای کربلا گرفته‌ایم و شعائر را بجا آورده‌ایم. عزاداری تعطیل‌بردار نیست اما فشار برای انجام شعائر به روش همیشگی اگر با عواقب وخیم برای سلامت مردم همراه شود، ضربه‌ای تاریخی به مراسم عزاداری و روح مشارکت ایرانیان در این مراسم وارد خواهد کرد.

توصیه رهبر معظم انقلاب در سخنرانی تلویزیونی‌شان به مناسبت عید سعید قربان بسیار راهگشا بود. ایشان فرمودند «در عزاداری‌ها معیار آن چیزی است که کارشناسان بهداشت و ستاد ملی مقابله با کرونا می‌گویند» و به همه هیأت‌داران و منبری‌ها توصیه کردند «به سخنان کادر بهداشتی گوش کنید» و «کرونا مسأله کوچکی نیست و اگر همین رعایت‌ها هم انجام نشود آن وقت ممکن است به فاجعه‌ای ختم شود که آن سرش ناپیدا باشد.» درایتی در این سخن نهفته است که امیدوارم با تأسی به آن جامعه ایرانی بتواند روح عاشورا را زنده نگه دارد اما هیچ گامی خلاف اصول صیانت از جان بر ندارد که از واجبات زندگی مؤمنانه است. عزاداری نباید به از دست رفتن هیچ جانی بینجامد. نکند خدای ناکرده جان انسانی بر اثر کرونا گرفته شود و فرصت مشارکت در عزاداری‌های سال‌های آینده را نیابد.

من امروز سختی‌های یک بیمار کرونایی بودن را درک می‌کنم و فشار جسمی و روانی آن برای خود و دیگران از کادرهای درمان گرفته تا خانواده را درمی‌یابم. تردید ندارم که گسترش بیماری کرونا بر اثر عزاداری‌های بدون مراعات اصول بهداشتی، درد و تلخی نقدهای مجامع جهانی بهداشت و بدخواهان علیه دین و مذهب تشیع را نیز بر آنها خواهد افزود.

پریشب با دکتر حریرچی که به دیدنم آمده بود محاسبه کردیم که حفظ فاصله اجتماعی یک‌ونیم متر در مراکز سر بسته یا سر باز، نیازمند تخصیص ۹ متر مربع فضا به هر عزادار است. آیا این میزان فضا برای عزاداری و تضمین رعایت معیارهای بهداشتی به هنگام زنجیرزنی و سینه‌زنی مهیاست؟ این روزها بیش از گذشته به اهمیت رسانه برای مدیریت پدیده‌های اجتماعی آگاه شده و ضرورت آن را درک می‌کنم. تجربه سختی کرونا به من نشان داد که چگونه باید نظام رسانه‌ای را برای مواجهه با این‌گونه رخدادها تقویت کرد و تا چه اندازه اهمیت دارد که رسانه مورد اعتماد وجود داشته باشد و ظرفیت بسیج‌شده آن در خدمت مهار بیماری قرار گیرد.

متأسفم که برخی چقدر از ظرفیت فضای مجازی برای جلب مشارکت عمومی در مدیریت این بیماری غافل هستند. فضای مجازی می‌تواند تسهیلگر یک سلسله سازوکارهای جبرانی برای مقابله با کاستی‌ها باشد. همه رسانه‌های ما اعم از شبکه‌های

رسمی و غیر رسمی باید چنان در معرض ظرفیت‌سازی نوین قرار گیرند که همه افشار جامعه با همه سبک‌های زیستی و گوناگونی فرهنگی، سیمای خود را در آئینه آن بجا آورند و رسانه‌ها مورد اعتماد شوند و در چنین روزهایی ذخیره اعتماد به رسانه به کار بیاید. سختی‌های کرونا، نیاز به آموزش‌های همگانی تازه در خصوص مهارت‌های زندگی و کار در شرایط کرونایی و ضرورت شکل‌گیری روابط تازه‌ای با یکدیگر، با دولت، با کارشناسان حوزه سلامت و با روانشناسان و اقتصاددان‌ها و سیاستمداران را آشکار ساخته است. این‌گونه ارتباطات در لحظات بحران باید به کار ما بیایند و از همین جاست که اهمیت بنیادین اعتماد آشکار می‌شود.

امیدوارم زعمای قوم و همه شوراها و ارکان تصمیم‌گیری بسیار بیش از گذشته به سرمایه اجتماعی و اعتماد و ضرورت تقویت آن اهتمام کنند و همگان اعم از نخبگان سیاسی و اجتماعی از هر کردار و گفتار اعتمادسوز بپرهیزند. من این چند روز کرونا را از نزدیک زندگی کرده‌ام.

کرونا از نمایی نزدیک، واقعیت‌های بسیاری درباره جامعه ایران را آشکار می‌کند. امیدوارم این تجربه از نزدیک را پس از بهبودی و در آینده‌ای نزدیک در خدمت سیاست‌پژوهی و نگاهی متفاوت به جامعه ایرانی از منظر تاب‌آوری در مقابل این‌گونه مشکلات قرار دهم. کرونا از نمای نزدیک اگرچه تجربه‌ای تلخ و دردناک است اما توشه‌ای برای نگرستن به کاستی‌ها و قوت‌های جامعه ایرانی است.

برچسب‌ها: [سلامت](#) [1]
[دولت](#) [2]